

جایگاه مددکاری اجتماعی در حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار

محمد سجاد اعتباری

دانش آموخته دانشگاه قم

چکیده

ورود مددکاران اجتماعی به نظام عدالت کیفری عمومی در بستر آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و به منظور تحقق‌بخشی ایده اصلاح و درمان و بازپروری بزه‌کاران در زندان‌ها و مراکز بازپروری، آغاز گردید و با پیگیری سیاست‌های؛ قضازدایی، کیفرزدایی و حمایت از بزه‌دیدگان توسط نظام‌های مختلف، امروزه مددکاران در نهادهای مربوط به حل و فصل اختلافات و صلح و سازش از قبیل میانجیگری کیفری، در نظارت بر اجرای مجازات‌های اجتماعی و حمایت از بزه‌دیدگان خاص، در نقش‌های مختلفی ظاهر شده‌اند. در نظام عدالت کیفری اطفال نیز حضور مددکاران اجتماعی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. در هر سه حوزه؛ دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان بزه‌کار و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده، مددکاران اجتماعی وظایف مختلفی را برعهده گرفته‌اند. نظام عدالت کیفری ایران به ویژه در سال‌های اخیر از رهگذر لوایح قضایی تهیه شده، در حال حرکت به سمتی است که نقش‌ها و وظایف مختلفی را به مددکاران اجتماعی واگذار نماید. به دلیل وظایف مهم و حساس مددکاران اجتماعی در نظام عدالت کیفری این گروه از متخصصان از یک نوع اصول اخلاقی حرفه‌ای در مواجهه با مددجویان پیروی می‌کنند که از زاویه سلوک اخلاقی در جرم‌شناسی قابل توجه است.

واژه‌های کلیدی: مددکار، مددکاری اجتماعی، نظام عدالت کیفری، اطفال بزه‌کار و اطفال بزه‌دیده.

۱- مقدمه

وضعیت خاص آسیب‌پذیر اطفال به لحاظ جسمی و روحی ایجاب می‌نماید که سیاست افتراقی نسبت به آنان اعمال گردد، توجه به این مورد عمدتاً حاصل مطالعات جرم‌شناسی بالینی که ریشه در مکتب تحقیقی دارد می‌باشد.^۱ پس از آن نیز به تدریج با تشکیل دادگاه‌های اطفال در حقوق داخلی کشورها، تصویب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق کودک و ظهور مکاتب جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی حرکت به سمت رویکردهای اصلاحی و ترمیمی و رفاهی در برخورد با بزهکاری اطفال آغاز شد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۲۴ در ژنو، اولین اعلامیه «حقوق اطفال» منتشر و منشأ اثر مهم در تدوین و اصلاح قوانین کشورهای مختلف گردید. در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه جهانی «حقوق کودک» را در ده اصل تصویب نمود و این که در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ «اعلامیه حمایت از زنان و اطفال» در موارد اضطراری و برخوردهای مسلحانه و جنگ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.^۲

از آنجا که این کودکان اغلب به دلیل عدم برخورداری از حمایت‌های لازم و سرپرستی مناسب، بزهکار و یا بزه‌دیده واقع شده‌اند، حضور افرادی با تخصص‌های غیر قضایی نظیر مددکاران اجتماعی در فرآیند کیفری می‌تواند نقش مهمی در باز اجتماعی شدن و کاهش آلام ناشی از جرم و جلوگیری از بزه دیدگی ثانویه یا تکرار جرم آنان در آینده ایفا نماید. مددکاران اجتماعی که بالینی‌ترین ماموران نظام عدالت کیفری به شمار می‌روند، با استفاده از آموزه‌های علوم روانشناختی، جامعه‌شناختی و غیره، همچنین رعایت اصول متعدد حرفه‌ای مانند اصل فردیت و ارائه خدمات مختلف به دنبال یاری رساندن به نظام عدالت کیفری می‌باشند. این نیروها در حمایت از اطفال بزه‌دیده و بازپروری و پیشگیری از تکرار جرم اطفال بزهکار وظایف مختلفی را به عهده گرفته‌اند.

از طرف دیگر عدالت حکم می‌کند که نظام کیفری، کودک بزه‌دیده و بزهکار را به عنوان عضو آسیب‌پذیر از جامعه، به رسمیت بشناسد، از کودک بزه‌دیده تفقد و دلجویی نماید و در صدد ترمیم آثار بزه‌دیدگی او برآید و از بزهکار شدن دوباره کودک بزهکار در آینده پیشگیری کند. این اقدامات نیازمند ریشه‌یابی و شناسایی عوامل بزه‌دیدگی و بزهکاری کودک و تلاش در جهت مقابله با آنهاست. دستیابی به این اهداف مستلزم ایجاد نظام‌های حقوقی، با کارکردهای چندوجهی است؛ نظام‌هایی که در آن متخصصان پیراقضایی نیز، در کنار متخصصان قضایی و هم‌پای آنها، به ارائه خدمات بپردازند. به این ترتیب، مددکاران اجتماعی، به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین متخصصان پیراقضایی، می‌توانند فعالیت‌های قابل توجهی را در رابطه با کودکان بزه‌دیده و بزهکار در نظام عدالت کیفری به انجام برسانند.

به عنوان نمونه مددکاران اجتماعی باید بتوانند کودکانی را که در زمینه تلفیق اجتماعی دچار مشکل شده‌اند شناسایی کرده و به آنها کمک کنند. همچنین مددکاران اجتماعی می‌توانند توصیه‌های ارزشمندی برای والدین در خصوص رفتار با کودکان معلول بنمایند که این کار از بار روانی هر دو طرف قضیه خواهد کاست؛ و یا این که مددکاران اجتماعی بایستی اطلاع از صحت و درستی مراحل بازجویی از کودک داشته باشند که در غیر این صورت می‌تواند از امضای اعترافات کودک سرباز زند که البته باید دلایل عدم امضا و تأیید اعترافات را هم ذکر کند.^۳

متأسفانه در ایران به دلیل عدم وجود نظام ویژه‌ای برای رسیدگی به جرایم علیه کودکان از سویی و نظام‌مند نبودن خدمات مددکاری در درون نظام عدالت کیفری از سوی دیگر، در حال حاضر مددکاران اجتماعی، در چهارچوب نظام کیفری، هیچ‌گونه خدمات منسجمی به کودکان بزه‌دیده و بزهکار ارائه نمی‌کنند؛ اما وجود خلأ قانونی در این رابطه و مشکلات فراوان ناشی از آن،

^۱ طرفداران این مکتب در سال ۱۹۰۶ در شهر تورین ایتالیا کنگره انسان‌شناسی جنایی را برگزار کردند. در این کنگره توصیه شد که در زمینه بزهکاری اطفال: ۱- قاضی باید بتواند، برحسب شرایط فردی- اجتماعی هر طفل، از اقدام‌ها و تدابیر متنوع نسبت به او استفاده کند؛ ۲- هرگونه رفتار اصلاحی در قبال طفل باید مسبوق به معاینات پزشکی- روان‌شناختی و بررسی سوابق خانوادگی و نیاکان او باشد. در این خصوص مراجعه کنید به علی حسین نجفی ابراندآبادی، دیباچه کتاب حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تألیف مریم عباجی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

^۲ دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص ۲۹.

^۳ صباغ، رنه، نقش مددکاران اجتماعی در دادرسی ویژه نوجوانان، گزارش کارگاه‌های آموزشی «دادرسی ویژه نوجوانان»، انتشارات امیرکبیر، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴۱.

زمینه را برای تدوین «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» و «لایحه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان بزهکار» فراهم نموده است.

تحقیق حاضر می‌کوشد که ضمن آشنا کردن خواننده با مفهوم مددکاری اجتماعی و جایگاه آن در نظام کیفری ایران، به توصیف و تحلیل خدمات مددکاری اجتماعی در حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزهکاران در مراحل مختلف فرآیند کیفری بپردازد.

۲- ضرورت انجام تحقیق

اطفال و نوجوانان مهمترین سرمایه و منابع انسانی هر جامعه محسوب می‌شوند، دوره کودکی دوره شکل‌گیری شخصیت انسان می‌باشد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بویژه در جامعه ایرانی که از بافتی جوان تشکیل یافته است، عدم توجه و حمایت کافی از این گروه لطمات بسیاری را بر کشور تحمیل خواهد کرد.

آموزه‌های اسلامی نیز به ضرورت توجه به این دوره تاکید فراوان نموده است و از طرف دیگر کشورها به دلیل پیوستن به اسناد بین‌المللی و حقوق بشری نظیر کنوانسیون حقوق کودک، خود را به اجرای هنجارهای بین‌المللی در مورد حمایت از کودکان مکلف نموده‌اند و موظف می‌باشند در راستای عمل به تعهدات خود راهکارهای حمایت از کودکان را در قوانین پیش‌بینی نمایند.

یکی از راهکارهای موثر در این زمینه حضور مددکاران اجتماعی در فرآیند کیفری اطفال می‌باشد که می‌تواند به سالم‌سازی شخصیت آنان و آشنایی با رفتارهای مطلوب اجتماعی کمک مطلوب نماید.

از آنجا که متأسفانه تقریباً هیچ آمار دقیقی در خصوص اطفال بزهکار و بزه‌دیده و یا اطفال در معرض خطر در ایران وجود ندارد، به برخی از آمارهای موجود از کشور فرانسه اشاره می‌کنیم تا اهمیت این تحقیق روشن‌تر شود.

برای نمونه در سال ۲۰۰۴، تعداد ۹۵۰۰۰ مورد طفل در معرض خطر گزارش شده است که ۶۰٪ آن به اطلاع مقام‌های قضایی رسیده و ۴۰٪ بقیه مشمول حمایت اداری شده است. یا این که در سال ۲۰۰۴، بیش از ۳۲۰۰۰۰ مورد اقدام مددکاری تربیتی توسط قضات اطفال صادر شده که این رقم به حدود ۶۲۵۰۰ اقدام تحقیقات و بررسی درباره اطفال در معرض خطر، ۱۳۵۰۰ اقدام تربیتی در محیط باز و نزدیک به ۱۲۳۰۰۰ اقدام تسلیم به منظور نگهداری اطفال در معرض خطر توسط یک شخص معتمد، یک خانواده قابل اعتماد یا یک مؤسسه تخصصی وابسته به بخش عمومی یا خصوصی معتمد نهاد حمایت قضایی از جوانان تقسیم می‌گردد.^۱

۳- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: مددکاران اجتماعی در زمینه مشارکت دادن کودکان بزهکار در فرآیند دادرسی، صدور حکم متناسب با شخصیت کودکان، حمایت از کودکان بزهکار و بزه‌دیده و در مجموع تحقق عدالت کیفری به مفهوم واقعی خود نقش بسزایی دارند.

فرضیه دوم: مددکاران اجتماعی می‌توانند در زمینه تشکیل پرونده شخصیت، مشارکت در ابروآسیون و همچنین در فرآیند صدور آراء متناسب با کودکان بزهکار نقش مؤثری داشته باشند.

فرضیه سوم: مددکاران اجتماعی می‌توانند در فرآیند پس از صدور حکم در خصوص آموزش، بازگشت به خانه و همچنین کاهش خسارتهای جانی و معنوی کودکان بزه‌دیده نقش مؤثری داشته باشند.

^۱ ایولاسال، ژان، صغار در معرض خطر در حقوق فرانسه: مددکاری تربیتی، مترجم: علی حسین نجفی ابراندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴۶، ص ۱۴۳.

۴- چارچوب تحقیق

۴-۱- جلوه های حمایت از کودک بزهکار در مرحله پیش از رسیدگی

طرح های اخطار رسمی و اخطار غیر رسمی - به عنوان یک نهاد متفاوت از تعقیب رسمی در ارتباط با کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری - رویه ای قدیمی در حقوق برخی کشورها از جمله انگلستان است؛ این اخطارها نه تنها موجب می شوند که تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان بزهکار از فرآیند رسمی رسیدگی کیفری خارج شوند، بلکه سبب می شوند تا هیچ گونه سوء پیشینه کیفری برای این قبیل کودکان ثبت نشود. بخشنامه شماره ۵۹ وزارت کشور انگلستان در سال ۱۹۹۰ اعلام می کند که اخطار برای برخورد سریع و آسان با مجرمان کم خطر تاسیس شده است تا موجب دوری آنان از دادگاه های کیفری شود. در این مرحله نقش مهم مددکار اجتماعی تبلور پیدا می کند؛ زیرا که برای انجام موارد مربوط به صدور اخطار، گروه های میان سازمانی که شامل افسران پلیس و مددکاران اجتماعی ویژه عدالت کیفری نوجوانان هستند، وظیفه گردآوری اطلاعات لازم در خصوص طفل و تصمیم گیری در مورد صدور اخطار را دارند.^۱ هنگامی که کودک بزهکار به گروه مربوط به بزهکاری نوجوانان معرفی می شود، گروه باید ظرف ۱۰ روز یک گزارش مبنی بر ارزیابی وضعیت کودک صادر کند که در آن موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- حداقل یک مصاحبه با کودک بزهکار

۲- یک مصاحبه با والدین کودک بزهکار یا سرپرست او

۳- ارایه اطلاعات در رابطه با طفل توسط مددکار اجتماعی و پلیس

این سیستم باعث شده است تا مطابق نظر این کمیسیون - که باعث می شود انگ و برچسب کیفری به نوجوانان نخورد - حدود ۳۰ درصد از پرونده های دادگاه نوجوانان منجر به برایت می شد و با پاسخ کیفری مواجه نمی گردید. نظریه منع برچسب زنی به اطفال که در جرمشناسی مورد بحث قرار می گیرد، اذعان دارد که در مورد اطفال باید از استعمال واژه های مجرم و بزهکار خودداری گردد و همانطور که قسمت (ف) بند (۵) رهنمودهای ریاض ۱۹۹۱ و ماده (۸) مقررات پکن بیان کرده است، نسبت به اطفال واژه معارض با قانون استفاده شود که به مراتب بار منفی کمتری نسبت به واژه بزهکار و مجرم یا منحرف دارد. از جمله دیگر روش های حمایتی از طفل معارض با قانون در مرحله پیش از رسیدگی، قضا دایی^۲ است؛ اقدامات جایگزین که در روش استفاده می شود با همکاری قاضی با مددکار اجتماعی از طریق روشهایی مثل میانجیگری، تعلیق تعقیب یا تعویق صدور رای صورت می پذیرد که به عنوان مثال در روش تعویق صدور رای مددکار اجتماعی منتخب دادگاه، ناظر بر حسن اجرای دستورات دادگاه توسط طفل یا نوجوان است. در پایان دوره تعویق، چنانچه گزارش مددکار اجتماعی مبین حسن رفتار طفل باشد، دادگاه مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب یا معافیت از مجازات می نماید و اگر گزارش مددکار اجتماعی مبنی بر عدم تغییر رفتار کودک باشد، دادگاه حسب مورد به مجازات مقرر در قانون حکم خواهد داد.^۳

علاوه بر این باید گفت که اقدامات مددکاری در سال های شروع زندگی می تواند نقش بسزایی در شناسایی و دستیابی به استعداد های بالقوه شخص داشته باشد که بتواند به خوبی فرزند خود را رشد و پرورش دهد؛ اما خانواده هایی که در شرایط مستعد برای ارتکاب جرم هستند باید حداکثر خدمات را دریافت کنند. خدماتی که شرایط پیچیده زندگی کودکان در معرض خطر را مورد توجه قرار دهد.

برای حصول این هدف آنچه که از اهمیت خاصی برخوردار است نحوه صحیح بکارگیری امکانات موجود می باشد. برای مثال یک دوره نظارت شش ساله مددکاری به اجزای زیر نیازمند است:

^۱ مهرا، نسرین؛ بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان، مجله آموزه های حقوقی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۸-۱۰۹

^۲ Diversion

^۳ مؤذن زادگان، حسنعلی؛ کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش های اجتماعی، علوم جنایی (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول ۱۳۸۸، سمت، صص ۱۳۷-۱۳۹.

- ایجاد خدماتی مداوم و مطابق با اصول اجتماع، عمومی، هدفمند و جامع برای از بین بردن شکاف‌های موجود در نحوه خدمت‌رسانی به ویژه برای خانواده‌های مستعد برای ارتکاب جرم.
- ارزیابی کودکان در سال‌های اول زندگی؛ این ارزیابی‌ها باید به عنوان فرصت‌هایی برای شناسایی استعداد آنان و نیز بررسی دریافت صحیح خدمات لازم صورت گیرد.
- برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای والدین مانند آموزش مهارت‌های اساسی زندگی. این آموزش‌ها باید بر اساس توانایی درک والدین و نیز با امکانات آموزشی مناسب و نیز کمک به ایجاد نتایج مطلوب در تربیت کودکان انجام گیرد.
- افزایش سرمایه‌گذاری در امور درمانی کودکانی که دارای اختلالات فیزیکی و روانی هستند؛ با رسیدگی به وضعیت جسمی و روحی این کودکان از عواقب جدی رفتارهای ضداجتماعی بعدی آنان که منجر به رفتارهای مجرمانه می‌شود، پیشگیری می‌گردد.^۱
- برای تضمین ارائه خدمات به نحو مؤثر باید با نیازسنجی نسبت به احداث مراکزی مانند مدارس، کارگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی برای اکثر خانواده‌های در معرض خطر که اغلب در روابط عادی اجتماعی با مشکلاتی مواجه هستند، اقدام گردد تا با مدیریتی منسجم به این خانواده‌ها در رشد فرزندان کمک نمایند. همچنین باید مراکزی برای رفع نیازهای خدماتی خانواده‌ها برای کودکان در حال رشد دایر گردد.

۴-۲-آماده سازی کودک بزهکار جهت ورود به فرآیند دادرسی

الف) مقررات بین‌المللی در تعامل با نقش مددکاری اجتماعی
وظیفه اصلی مددکار عبارت است از کمک به طفل بزهکار و والدین یا سرپرست قانونی او در جهت اصلاح و تربیت طفل؛ در دادگاه اطفال مددکار باید بتواند تحت نظارت قاضی این وظیفه را اجرا کند. ماده (ب) ۴۰/۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، تأمین مسایلی مانند مشاوره و راهنمایی در جهت تضمین رفتار متناسب با رفاه و شرایط جرم ارتكابی آن‌ها را در نظر گرفته است.

لزوم استفاده از گزارش‌های تحقیقی اجتماعی تهیه شده توسط مددکار برای اتخاذ تصمیم مناسب در بند ۱۶/۱ مقررات پکن مورد توجه قرار گرفته است. همچنین ماده ۸۱ مقررات ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰ وجود مددکاران اجتماعی را در تیم مرتبط کودک ضروری دانسته است.^۲

۴-۳- نقش مددکاران اجتماعی در مرحله رسیدگی در خصوص اطفال بزه‌دیده

در ابتدای این مبحث لازم است که نکاتی را در خصوص بزه‌دیده‌شناسی مطرح نماییم تا بتوانیم به درستی جایگاه اطفال بزه‌دیده و نقش مددکاران اجتماعی را بررسی نماییم.
حقوق کیفری کلاسیک، نهادها و ساز و کارهای خود را عمدتاً با توجه به بزهکار، عمل ارتكابی او و اوضاع و احوال موجود در زمان وقوع جرم بنا نهاده است. همه این نهادها در واقع برای تشخیص بزهکار از غیربزهکار و در نهایت، سزا دادن بزهکار تنظیم و جهت‌گیری شده است. جرم‌شناسی نیز، به تبع آن، نخستین مطالعات خود را بر بزهکار و محیط او متمرکز نمود و از این طریق در مقام علت‌شناسی بزهکاری وی برآمد.^۳

^۱ آخوندی، امین‌اله و صالحی، ابوالفضل؛ نقش مددکاری اجتماعی در پیشگیری از ارتکاب جرم، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۸۷، مهر ۱۳۸۷، ص ۱۸.

^۲ سادات اسدی، لیلا؛ همان منبع، صفحه ۵۴.

^۳ لیز (زرار) و فیلیزولا (ژینا)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، «از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری»، (دیپاچه) علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۹.

از اواسط سده بیستم میلادی به تدریج، روابط موجود پیش از عمل مجرمانه میان بزهکار و بزه‌دیده مسقیم- یعنی شخصی که در پی یک رفتار انسانی که جرم نام گرفته است متضرر، مجروح، مضروب، مقتول و ... واقع می‌شود توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرد و در فرضیه‌های مطالعات جرم‌شناختی، شخصیت بزه‌دیده و خصوصیات مختلف این شخصیت (جنبه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی) و به ویژه تأثیر او در تکوین جرم مورد توجه قرار گرفت. به بیان دیگر، بررسی عوامل بزه‌دیده‌زا (بزه‌دیدگی)، در کنار عوامل جرم‌زا (بزهکاری)، وارد مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی شد و بدین‌سان رشته بزه‌دیده‌شناسی علمی (اولیه) به وجود آمد.^۱

واقعیت آن است که توجه به بزه‌دیده و مطالعه او موضوعی جدید محسوب می‌شود و حتی تا همین دهه‌های اخیر، زیان‌دیده از جرم، نقش چندانی در طرح، تعقیب و به طور کلی، سرنوشت فرآیند کیفری ایفا نمی‌کرد.^۲

به منظور نزدیک‌تر شدن به حوزه‌ای که در آن از مفهوم بزه‌دیده استفاده می‌کنیم، به تعریف بزه‌دیده اشاره می‌کنیم: «بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند».^۳

اما طبق علمی‌ترین تعریف از بزه‌دیده که توسط «مندلسون» در سال ۱۹۷۶ ارائه شده است: «بزه‌دیده شخصی است که به خاطر وضعیت فردی یا عضویت و وابستگی در یک گروه، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت‌بار که فاکتورهایی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی طبیعی دارد، می‌شود».^۴

به تدریج حمایت از اطفال- به عنوان یکی از طبقات بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر- در برابر بزه‌دیدگی- علاوه بر بزهکاری و کژمداری- وارد قلمرو حقوق کیفری و جرم‌شناسی شد. تأثیرپذیری این دیدگاه بر نظام‌های عدالت کیفری- به ویژه در اروپا- پیدایش شاخه جدیدی در سیاست‌های جنایی با عنوان «سیاست جنایی افتراقی»^۵- را سبب گردید. گرایش جدید با تأکید بر اتخاذ اقدام‌ها و تدابیر ویژه در قبال اطفال، فصل تازه‌ای در تحولات کیفری نیمه دوم سده بیستم گشود.^۶

این گرایش نو بر بکارگیری تدابیر ویژه نسبت به کودکان و نوجوانان تأکید می‌کند؛ تدابیری که با داشتن ویژگی‌های آموزشی- پرورشی، به حمایت از این قشر آسیب‌پذیر در برابر کژروی و بزه‌کاری می‌انديشند.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ کودک‌آزاری را جرم و سزاوار کیفرهایی چون حبس و جریمه نقدی شناخته است. این قانون را جلوه‌ای از الهام آگاهانه قانون‌گذار از کنوانسیون حقوق کودک می‌توان دانست که نشانه‌هایی از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در آن آشکار است. اگرچه خود تصویب چنین قانون ویژه‌ای را می‌توان پیشرفتی در سطح سیاست جنایی افتراقی کودکان و نوجوانان به شمار آورد، به نظر می‌رسد که پاسخ‌های کیفری پیش بینی شده در این قانون برای کودک آزاران کافی- بلکه مناسب- نیست. یکی دیگر از پیشرفت‌ها از بعد آیین دادرسی بر پایه یک سیاست جنایی افتراقی که صورت گرفته «لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان» است که مقررات آن را نیز می‌توان از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی تفسیر کرد. علاوه بر این، می‌توان به قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱ نام برد که کودکان بی‌سرپرست را به منزله کودکانی تعریف می‌کند که «بنا بر علتی به طور دائم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشند» (تبصره ۴ ماده ۲) و آنان را از حمایت‌های درج شده در این قانون بهره‌مند می‌داند. به این تدابیر تقنینی باید پاره‌ای تدابیر اجرایی از سوی برخی نهادها مانند سازمان بهزیستی را افزود که بر پایه قانون اساسی (اصل‌های ۲۱ و ۲۹) برای برنامه‌ریزی، هماهنگی و ارزشیابی و تهیه ملاک‌ها و استانداردهای خدماتی به ویژه در زمینه حمایت از زمینه‌هایی چون جمع کردن کودکان خیابانی، ایجاد خانه‌های

^۱ رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرآیند کیفری، «از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی»، (دیپاچه) علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۱.

^۲ رک. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرآیند کیفری، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

^۳ لیز (ژرار) و فیلیزولا (ژینا)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۹۶.

^۴ به نقل از بیگی، جمال، بزه‌دیدی اطفال در حقوق ایران، نشر میزان، ص ۴۴.

^۵ Differential Criminal Policy

^۶ رایجیان اصلی، مهرداد، موقعیت اطفال بزهکار- بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره بیست و پنجم، ۱۳۸۱، ص ۵.

سلامت برای دختران و راه‌اندازی طرح‌هایی مانند طرح مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی، طرح مرکز و جایگزینی کودکان خیابانی و طرح سازماندهی موارد آزار و اذیت کودکان فعالیت می‌کند.^۱

۴-۴- نقش مددکار اجتماعی در صدور حکم متناسب با شرایط کودک

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ در زمان خود اولین قانون جامع و مترقی بود که در زمینه شیوه رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان معارض با قانون به تصویب رسید. از جمله نکات مهمی که در آن به نقش مددکار اجتماعی در فرایند صدور حکم اشاره می‌نمود، اخذ و درج نظریات کارشناسان مددکاری اجتماعی در پرونده با تشخیص قاضی دادگاه (ماده ۷) و پیش‌بینی دو نفر مشاور بصیر-که می‌توانست مددکار اجتماعی باشد- برای قاضی بود (ماده ۳). در لایحه فعلی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان هم در ماده ۷ دادگاه ملزم به اخذ اظهار نظر متخصصان در رشته‌های روانشناسی کودک و علوم تربیتی (مددکاری اجتماعی) و درج در پرونده شخصیت برای تعیین واکنش مناسب شده است؛ در مواد ۵۱ و ۵۲ با یک حرکت مترقی و رو به جلو، قانونگذار پیش‌بینی دایره مددکاری اجتماعی و استخدام دانش‌آموختگان مددکاری اجتماعی و علوم تربیتی را نموده است تا با مساعدت به دادرسی و دادگاه اطفال، در جهت اعمال صحیح واکنش‌های آموزشی، مراقبتی، تربیتی، درمانی و حرفه‌آموزی بیایند.^۲ در صورت تصویب نهایی لایحه گروه مشاوران (۴ نفر) در دادگاه اطفال حضور خواهند داشت که نقش مشورتی دارند و حضور حداقل دو نفر از آنها در جلسه دادگاه الزامی است. در لایحه پیش‌بینی شده است که در هر واحد قضایی، واحد مددکاری اجتماعی پیش‌بینی شود تا با حضور در کانون اصلاح و تربیت بر پیشرفت اخلاقی طفل نظارت نماید.^۳ در همین خصوص ماده ۲۵ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان چنین مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی و احراز مجرمیت، صدور رأی را با توجه به وضع طفل یا نوجوان با تعیین دستورهای مقرر در مواد ۳۲ و ۳۳ این قانون حداکثر تا ۲ سال به تعویق بیندازد. دادگاه پس از دریافت گزارش مددکار اجتماعی در خصوص نحوه اجرای دستورات توسط طفل یا نوجوانان، حسب مورد می‌تواند قرار موقوفی تعقیب صادر یا وی را از مجازات معاف کند و با رعایت تخفیف، حکم مقتضی صادر نماید». همانطور که مشاهده می‌شود نقش مددکار اجتماعی در تعیین و چگونگی صدور رأی در این ماده لحاظ شده است، از این جهت، قاضی می‌تواند بر اساس نظر مددکار اجتماعی قرار موقوفی تعقیب صادر نماید یا این که طفل یا نوجوان را از مجازات معاف نموده یا در حکم خود تخفیف را لحاظ نماید.

۴-۵- نقش مددکاری اجتماعی در اجرای حکم متناسب با شرایط کودک

از همین‌رو ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۴۷/۷/۹ وزیر دادگستری در مدت توقیف طفل در قسمت نگهداری موقت از نظر اجرای ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به وسیله مددکاران اجتماعی کانون سوابق خانوادگی، اجتماعی و خصوصیات اخلاقی طفل تحقیقات لازم به عمل خواهد آمد و از نظر وضع جسمانی، روانی، میزان قوه درسی و استعداد حرفه‌ای به وسیله متخصصین کانون مورد معاینه قرار خواهند گرفت. مجموع سوابق جمع‌آوری شده در شورائی با حضور مدیر کانون و متخصصینی که از طفل معاینه به عمل آورده‌اند بررسی خواهد شد و گزارش نهایی که متضمن خصوصیات واقعی شخصیت طفل و تدابیر پیشنهادی درباره وی خواهد بود در دو نسخه تنظیم می‌گردد که یک نسخه از آن به دادگاه اطفال ارسال خواهد شد و نسخه دیگر در پرونده وی در کانون باقی خواهد ماند. در این پرونده تصمیمات دادگاه و گزارش‌های واصله مربوط به طفل و نتیجه تحقیقات و معایناتی که از طرف مددکاران اجتماعی و متخصصین تهیه می‌شود نگاهداری خواهد شد، پرونده مزبور شال دو قسمت قضائی و اجتماعی خواهد بود.

^۱ رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۰ و ۳۱.

^۲ مؤذن زادگان، حسن علی؛ سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۷) صص ۲۴-۳۰.

^۳ جوانمرد، بهروز و دیگران، همان منبع، صص ۹۴-۹۸.

ماده ۳۸ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ ریاست قوه قضائیه، واحدهای مددکاری اجتماعی و خدمات اجتماعی را موظف نموده است تا در جهت حل مشکلات محکومان و بازسازگاری آنان اقدام نمایند و این اقدامات طبق بند م ماده ۳۹ باید با شرایط مردم شناسانه محکومان سازگار باشد. به همین منظور در ماده ۴۰ مددکاران اجتماعی جهت اجرای بهینه و اثرگذار دوران محکومیت موظف شده اند تا با ملاحظه پرونده شخصیتی محکومان نابهنجاری روانی آنان را بررسی نمایند و در صورت لزوم درمان به عمل آورند.

بدین سان می توان نقش مددکار اجتماعی را از اولین لحظات ورود به زندان (ماده ۶۴ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها)، در حین دوران محکومیت (مواد ۳۸-۴۰) و آماده سازی برای خروج (مواد ۲۳۷ و ۲۳۸) به وضوح و روشنی مشاهده نمود. بنابراین بخشهای مددکاری اجتماعی، در زمینه ارائه خدمات به دادگاه های کیفری فعال هستند. آنها طبق قانون به منظور کمک به صدور حکم موظف به تامین اطلاعات و مشاوره برای دادگاه ها بوده و این، علاوه بر خدماتی است که محاکم برای برخورد با مجرمین به آنها نیاز دارند. به همین منظور تدارک اطلاعات و نظرات مشورتی برای محاکم در صدور حکم تنها از طریق مددکاران اجتماعی واجد شرایط صورت می گیرد و به همین لحاظ اکثر مراجع صدور حکم از توصیه ها و گزارشهای مددکاران اجتماعی با عنوان خدمات با ارزش جهت تصمیم گیری نام برده و استقبال می نمایند. ۱ قانون مجازات اسلامی کشورمان هم به طور ضمنی در ماده ۲۵ (تعلیق مجازات) و ماده ۴۸ مکرر-که اخیراً به تصویب رسیده است-۲ از استفاده از خدمات مددکاران اجتماعی بهره برده و در تبصره ۱ همین ماده ۴۸ مکرر، دادگاه می تواند اجرای دستورات را از سازمان بهزیستی (به عنوان یک نهاد مددکاری اجتماعی دارای جنبه حمایتی) واگذار نماید؛ اگر هدف مجازاتها و اقدامات تأمینی نسبت به اطفال معارض با قانون را جامعه پذیرسازی و اصلاح و بازسازگاری آنها بدانیم، مهمترین نقش در متناسب سازی و تسهیل بازگشت این اطفال به زندگی عادی و حفظ روابط و علایق خانوادگی آنها-به تصریح ماده ۲۳۷ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها- با مددکاران اجتماعی است تا با جلب اعتماد این اطفال باعث تحکیم مبانی خانوادگی وی شده و در صدد رفع احتیاجات مادی و معنوی وی برآیند.^۳

۴-۶- نقش مددکار اجتماعی در آموزش رفتارهای اجتماعی به اطفال بزهکار

مددکاران اجتماعی به مددجویان یا اعضاء گروه کمک می کند تا خودشان مسئولیت انجام کارهای خویش را شخصاً به عهده گیرند و استعداد و توانایی های خویش را برای حل مشکلات و مسائل زندگی به کار ببرند. یکی از زمینه های شناخت و به کارگیری استعداد فردی، موقعیت پس از وقوع جرم توسط افراد است. در این مرحله، برای آنکه مددجویی بتواند مسئولیت کارهای خویش را بپذیرد و در حل مشکل خویش مؤثر باشد، لازم است تا به مددجو فرصت داده شود تا بر اساس موقعیت خویش، از امکانات موجود آگاهی کسب کند و درباره نتایج و پیامدهای اجتماعی، پیش بینی و انتخاب یک مسیر بیاندیشد. در پرتو این مسائل مددجو قادر می شود تا راه هایی را انتخاب کند که به رشد و بالندگی برسد و ضمن حل مشکلات خود به راحتی با بحرانها روبرو شود. البته در این مسیر ابتدا توانایی های افراد و آگاه کردن آنها از این توانایی ها و سپس کمک به شکوفایی استعدادهای بالقوه آنها صورت می گیرد.^۴ البته این موضوع در خصوص اطفال بزهکار کمی متفاوت تر می باشد که ابعاد آن باید مورد بررسی قرار گرفته شود.

طفل بزهکار به عنوان فردی که اگرچه مثل هر مجرمی آسیب زنده تلقی می شود، اما خود قربانی شرایط اسف بار زندگی خانوادگی-تحصیلی از یک سو و شرایط نامناسب جرم از سوی دیگر، شایسته توجه بیشتر و مراقبت افزونتر است؛ آنچه که طفل بزهکار را به سوی ارتکاب جرم سوق داده است بر خلاف مجرمین بزرگسال نوعاً لذت جویی یا منفعت طلبی شخصی نیست،

۱. آقای نیا، حسین، همان منبع، صص ۱۵۰-۱۵۸

۲. مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۱۷

۳. قاضی زاده، حسین؛ بررسی حقوقی-جرم شناختی نظارت تأمینی در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹.

۴. صالحی، جواد، مددکاری اجتماعی و کاهش جرم، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۷۹، آبان ۱۳۸۷، صص ۱۹.

بلکه نیازهای مالی-معیشتی وی یا جرایم هیجانی است که با تحریک یک بزه دیده (بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) و یا ترغیب همسالان معارض با قانون صورت می‌گیرد. او که خود قربانی است، بوسیله جرم ارتكابی اش منافع فرد یا گروهی دیگر را از بین برده است و حال پس از سپری شدن مجازات وی اعم از حبس، شلاق، جزای نقدی و ... می‌خواهد به فضای جامعه بازگردد. چه فضایی روبروی او خواهد بود و جامعه در مقابل او چه موضعی دارد؟ والدین، گروه همسالان، مردم محلی، معلمان و آموزگاران، بستگان و آشنایان چه نگرشی نسبت به وی و کارهای او یا تماس های وی با خود خواهند داشت؟ مددکاران اجتماعی که در هر سه حوزه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان معارض با قانون، حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده حضور دارند، به دلیل نقش مهم و حساس خود از اصول اخلاقی پیروی می‌کنند که البته این سلوک اخلاقی از نگاه جرم شناسی قابل توجه است.^۱ بر اساس این سلوک اخلاقی مددکار وظیفه دارد تا حد امکان از اعمال تصمیمات قضایی علی‌توسط قاضی ممانعت به عمل آورد. امروزه بدیهی است که دوری طفل از خانواده و اجتماع موجب اضطراب، دلهره و نگرانی شدید وی شده و حس انتقام جویی را در او تقویت می‌کند. طفل معارض با قانون در محیط ندامتگاه، الگویی از بزهکاری را فراروی خود می‌بیند و بدین گونه زمینه تکرار جرم فراهم می‌گردد. ماده ۱-۱۸ مقررات پکن و بند ۴ ماده ۴۰ معاهده حقوق کودک سازمان ملل متحد، مصادیق متنوعی از تصمیمات قضایی جایگزین را پیش بینی کرده اند تا طفل تحت نظارت مددکاران اجتماعی و در خانواده اصلی خویش تحت تربیت رفتارهای اجتماعی صحیح قرار بگیرد.^۲ مراقبت و آموزش رفتارهای اجتماعی به طفل بزهکار به منظور تربیت، آموزش، درمان و ایجاد حس مسئولیت پذیری در کودک و نوجوان بزهکار است. مددکار اجتماعی به عنوان فردی که در جهت اصلاح و بازپروری طفل بزهکار و پیشگیری از تکرار بزه توسط وی فعالیت می‌کند، وظیفه دارد تا با آموزش اصول و رفتارهای جامعه به کودک معارض با قانون، اسباب همنوایی او را با جامعه فراهم آورد و کودک معارض را در بستری از زمان مناسب تحت مدیریت قرار داده و او را فردی اجتماعی و عزتخواه بارآورد. تعامل میان مددکار اجتماعی در این فرایند با خانواده کودک معارض با قانون امری است که ضرورت و دقت در آن به خوبی استنباط می‌شود. نوع نگاه مددکار اجتماعی به طفل و خانواده اش و میزان صمیمیت وی با آنها برای بازاجتماعی کردن طفل می‌تواند تاثیرات مثبت یا مخرب زیادی بر طفل داشته باشد. پیش از این گفتیم که مددکار اجتماعی وظیفه تشکیل پرونده شخصیت طفل را دارد و یکی از فواید این امر در مرحله بعد از مجازات (پساکفیری) است تا با مراقبت بعد از خروج نسبت به طفل براساس ویژگی های فردی او را برای بازگشت به جامعه مهیا نموده و جامعه را در جهت شناسایی هویت جدید طفل کمک کند. آموزش اداب معاشرت اجتماعی و نوع برخورد با مردم، مکانها (مغازه، مدرسه،...)، شناختن مشاغل و حرفه ها به او، اهمیت کارکردن و روش درست بدست آوردن درآمد و تامین نیازهای مالی، اهمیت مسائل مذهبی و تعالیم بایسته دینی به وی و بسیاری مسائل دیگر در حقیقت رئوس آموزش های اجتماعی هستند که مددکار اجتماعی باید با صرف وقت و هزینه کودک را با آنها آشنا نماید.

۵- نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل از تحقیق، حاکی از این است که مددکاری اجتماعی، با توجه به اصول، اهداف، دانش‌ها و مهارت‌های خاص خود، می‌تواند در مرحله‌ی پیش از رسیدگی قضایی، مرحله رسیدگی، مرحله صدور و اجرای حکم و مرحله پس از اجرای حکم، خدمات مختلفی را در راستای پیشگیری از وقوع جرم، ترمیم آثار بزه‌دیدگی کودک و جلوگیری از بروز بزه‌دیدگی دومین ارائه نماید.

همانطور که در ماده ۳۶ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز پیشنهاد شده است، در مرحله پیش از رسیدگی قضایی، مددکاران می‌توانند به محض آن که از بروز خطر جدی، مطلع شدند، وارد صحنه شوند، در بحران پیش آمده مداخله کنند و از

^۱ زینالی، امیر حمزه؛ نقش مددکاری اجتماعی در نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، خلاصه سخنرانی نشست تازه های علوم جنایی (مندرج در تازه های علوم جنایی)، چاپ اول ۱۳۸۹.

نشر میزان، صص ۱۲۲۳-۱۲۲۵

^۲ مؤذن زادگان، حسنعلی؛ کودکان و نوجوانان معارض با قانون، همان منبع، صص ۱۴۰-۱۴۱

کودک رفع خطر نمایندند. آن‌ها در این مرحله می‌توانند با انجام اقدامات مددکاری، در جهت حفظ سلامتی، تأمین امنیت و آرامش خاطر کودک بکوشند و به این ترتیب از ورود آسیب‌های بیش‌تر به وی جلوگیری نمایند؛ سپس گزارش آن را به طور دقیق و کامل و با ذکر دلایل، به مرجع قضایی ارائه دهند.

در مرحله رسیدگی، مددکاران اجتماعی می‌توانند در تشکیل پرونده شخصیت و فراهم آوردن امکان مشارکت کودک بزه‌دیده، مرجع قضایی را یاری نمایند. مددکاران اجتماعی، با رعایت اصولی که در حرفه آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است، تنها کسانی هستند که می‌توانند در رابطه با وضعیت جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی کودک بزه‌دیده تحقیقات دقیق و مورد نیاز مرجع قضایی را انجام دهند. ماده ۴۴ لایحه نیز با عنایت به این نکته، در تشکیل پرونده شخصیت، تنها از مددکاران اجتماعی نام برده است. نکته‌ای که پیش از این در ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری، در خصوص کودکان بزه‌کار مورد توجه قرار نگرفته بود. فراهم آوردن امکان مشارکت کودکان از پررنگ‌ترین و مهمترین اقداماتی است که مددکاران اجتماعی می‌توانند در جریان رسیدگی، به انجام برسانند. نقش مددکاری اجتماعی در این موضوع، از دو بعد قابل بررسی است. اول، خدماتی که مددکاری اجتماعی به مرجع قضایی ارائه می‌کند تا بتواند زمینه مشارکت کودکان را فراهم نماید و دوم، خدماتی است که مددکار اجتماعی به کودک بزه‌دیده ارائه می‌کند تا آمادگی لازم را برای مشارکت به دست آورد. متأسفانه علی‌رغم اهمیت موضوع، این مسأله آنچنان که شایسته است مورد توجه تدوین‌کنندگان لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان قرار نگرفته است. در این زمینه ماده ۴۱ لایحه مذکور، فراهم آوردن امکان مشارکت کودکان بدون حضور فیزیکی را به عنوان یکی از وظایف دادگاه مورد اشاره قرار داده و در مورد اهمیت نقش مددکاران و اقداماتی که می‌توانند در این رابطه انجام دهند، سخنی به میان نیاورده است.

از وظایف نظام عدالت کیفری این است که ترمیم آثار بزه‌دیدگی و پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد وی را ضمن صدور و اجرای حکم نیز لحاظ نماید. مراجع قضایی برای صدور دستورات و احکام کارآمد و منطبق با واقع در این زمینه و اجرای صحیح و اصولی آن‌ها، نیازمند به کارگیری مددکارانی متخصص و با تجربه هستند. تصمیم‌گیری بدون توجه به نظرات کارشناسی مددکاران و اجرای آن توسط افراد غیرمتخصص، نه تنها دستیابی به اهداف مورد نظر را با چالش مواجه می‌کند، بلکه ممکن است به وخیم‌تر شدن وضعیت کودک بزه‌دیده نیز بیانجامد. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با در نظر داشتن این نکته، اخذ نظر مددکاران اجتماعی را در صدور دستورات حمایتی، ضمن حکم تعلیق و تعویق والدین بزه‌کار، لازم شمرده است. در رابطه با اجرا نیز، نظارت بر اجرای دستورات و تصمیمات دادگاه را برعهده مددکاران گذاشته است.

در مرحله پس از اجرای حکم نیز مددکاران می‌توانند با ارائه آموزش‌های مورد نیاز بزه‌دیده و خانواده وی سعی در درمان بیماری‌ها و حل مشکلات آنان، در جهت ایجاد شرایط مناسب در خانواده برای کودکان و نوجوانان (موضوع بند ج ماده ۵ لایحه حمایت از کودکان) گام برداشته و به این ترتیب نظام عدالت کیفری را تا دستیابی به اهداف نهایی خود همراهی کنند.

لازم به ذکر است که بر اساس تحقیقات انجام شده، حضور مددکاران در عرصه نظام عدالت کیفری ایران، تاکنون با چالش‌ها و مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است. نداشتن پشتوانه قانونی، عدم تخصص نیروها و نهادینه نشدن فرهنگ بهره‌گیری از مددکاران، از عمده مشکلاتی است که در این زمینه به چشم می‌خورد. بنابراین، اکنون که در مرحله گذار به سوی نظام‌مند کردن حضور مددکاران در نظام کیفری هستیم، باید با ریشه‌یابی مشکلات موجود و چاره‌اندیشی برای آن‌ها در جهت بالابردن کیفیت خدمات مددکاری گام برداریم. ایجاد نظام‌های آموزشی کارآمد و تخصصی مددکاری، در رشته‌های مورد نیاز از جمله حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار و نیز نهادینه کردن فرهنگ بهره‌گیری از مددکاران، مؤلفه‌های مهمی هستند که پیش از اجرایی کردن قوانین باید برای آن‌ها چاره‌ای اندیشید.

منابع

۱. ایولاسال، ژان، صغار در معرض خطر در حقوق فرانسه: مددکاری تربیتی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴۶، ص ۱۴۳.
۲. آخوندی، امین‌اله و صالحی، ابوالفضل؛ نقش مددکاری اجتماعی در پیشگیری از ارتکاب جرم، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۸۷، مهر ۱۳۸۷، ص ۱۸.
۳. دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص ۲۹.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرآیند کیفری، «از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی»، (دیباچه) علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۱.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۰ و ۳۱.
۶. رایجیان اصلی، مهرداد، موقعیت اطفال بزهکار- بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره بیست و پنجم، ۱۳۸۱، ص ۵.
۷. رک. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرآیند کیفری، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۸. زینالی، امیر حمزه؛ نقش مددکاری اجتماعی در نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، خلاصه سخنرانی نشست تازه‌های علوم جنایی (مندرج در تازه‌های علوم جنایی)، چاپ اول ۱۳۸۹، نشر میزان، صص ۱۲۲۳-۱۲۲۵.
۹. صالحی، جواد، مددکاری اجتماعی و کاهش جرم، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۷۹، آبان ۱۳۸۷، ص ۱۹.
۱۰. صباغ، رنه، نقش مددکاران اجتماعی در دادرسی ویژه نوجوانان، گزارش کارگاه‌های آموزشی «دادرسی ویژه نوجوانان»، انتشارات امیرکبیر، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴۱.
۱۱. قاضی زاده، حسین؛ بررسی حقوقی-جرم‌شناختی نظارت تأمینی در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضایی، ۱۳۸۹.
۱۲. لپز (ژرار) و فیلیزولا (ژینا)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، «از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری»، (دیباچه) علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۹.
۱۳. لپز (ژرار) و فیلیزولا (ژینا)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۹۶.
۱۴. مؤذن زادگان، حسنعلی؛ کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی، علوم جنایی (مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول ۱۳۸۸، سمت، صص ۱۳۷-۱۳۹.
۱۵. مؤذن زادگان، حسن علی؛ سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۷) صص ۲۴-۳۰.
۱۶. مهرا، نسرین؛ بازگشت مداخله نظام کیفری در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان، مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۸-۱۰۹.

The Role of Social Work in Protecting the Victimized and Delinquent Children

Mohammad Sajjad E'tebari

Graduated from Qom University

Abstract

The entry of social workers into the criminal justice system started based on the doctrines of clinical criminology and in order to actualize the idea of reforming, treating and rehabilitating the delinquents in prisons and rehabilitation centers in such a way that different legal systems have been following the policies of decriminalization and protection of the victims, and social workers are involved in institutions related to the resolution of disputes and restoration of peace and compromise through criminal mediation and have accepted various roles in monitoring the implementation of social penalties and the protection of special victims. The presence of social workers in the criminal justice system of children has a long history, too. Social workers have taken various responsibilities in all areas including special proceedings for children and adolescent delinquents and the protection of vulnerable and victimized children and adolescents. The Iranian criminal justice system, following the approved judicial bills, has been moving towards the assignment of various roles and responsibilities to social workers especially since the recent years. Due to the important duties of social workers in the criminal justice system, this group of professionals follow a kind of professional ethics in dealing with clients, which is significant in criminology from the perspective of ethical conduct.

Keywords: a social worker, social work, criminal justice system, delinquent children, victimized children.
